

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم گرگ گودلز
برگردان: محمد سعادت مند
۲۹ اکتوبر ۲۰۲۱

داستان دو کشور: کوبا و هائیتی



دو کشور کوبا و هائیتی این روزها به سرخط اخبار و تیتراژ رسانه‌های سرمایه‌داری بدل شده‌اند. هائیتی کشوری است که از الگوی «دموکراسی‌های غربی» به شیوه خاص خود پیروی کرده‌است. در سال ۱۸۰۳ با شکست برده‌داران به اولین کشوری در تاریخ بدل شد که از سلطه استعمارگران اروپایی خود را رها کرد و مستقل شد. برده‌داران اروپایی و سرمایه‌سالاران امریکایی هیچ گاه توسن لو ورتور (پدر استقلال هائیتی)* را نبخشیدند. استعمارگران و امپریالیست‌ها با تهدید و تطمیع، با اشغال نظامی و تسلط اقتصادی و با اخاذی و باج خواهی موجب شده‌اند که هائیتی امروزه در میان فقیرترین کشورهای قاره امریکا جای داشته باشد. این کشور بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی کشورهای جهان در رده ۱۴۵ قرار دارد.

ترور جنایتکارانه رئیس‌جمهور هائیتی و تلاش مزدوران راستگرا برای انجام کودتا، تنها بر درد و رنج مردم این کشور افزوده است. امریکا هنوز تصمیم نگرفته که چه کسی سکان رهبری هائیتی را در دست بگیرد. «هلن لایم»، شهروند امریکایی و نماینده ویژه ملل متحد در هائیتی، کلود ژوزف را برگزیده بود، اما یک گروه خودخوانده بین‌المللی تحت

امریکا، متشکل از سفرای امریکا، آلمان، فرانسه، کانادا، اسپانیا و اتحادیه اروپا، شخص دیگری به نام آریل هنری را در نظر دارد. اما به روال همیشه مردم هائیتی در این تصمیم‌گیری غایب‌اند.



کوبا شصت سال پیش در جریان انقلاب ۱۹۵۹ خود، حکومت دست‌نشانده فولخنسیو باتیستا را سرنگون کرد و کشور را از بند اسارت امریکا نجات داد و نیروی کار را از استثمار شدید سرمایه‌داران امریکائی رهانید. امپریالیسم امریکا هیچ‌گاه مردم کوبا و رهبر انقلاب فیدل کاسترو را نبخشید. سمت‌گیری سوسیالیستی کوبا هم همچنان بر خشم این دیو استعمار بیرون رانده‌شد، می‌افزود. سازمان‌های اطلاعاتی امریکا با تخصیص میلیون‌ها دلار، تمام کوشش خود را صرف سرنگون کردن دولت انقلابی کوبا کرده‌اند. خلاف خواست و رأی تقریباً همه کشورهای عضو ملل متحد، امریکا این جزیره کوچک را با ۱۱ میلیون جمعیت، تحت محاصره بسیار شدید قرار داده و مانع بهرمند شدن مردم کوبا از مواهب اقتصادی شده است. به‌علاوه کوبا هر روز شاهد دخالت امریکا در امور داخلی خود می‌باشد. بنابراین کسانی که با تاریخ معاصر کوبا آشنائی دارند، و خبرهای «تظاهرات» ۱۱ جولای علیه دولت آن کشور را خوانده یا شنیده باشند، آشکارا دست‌های پنهان سازمان‌های اطلاعاتی امریکا را پشت این «تظاهرات» می‌بینند که از آن پشتیبانی یا حتی رهبری می‌کند. هیچ روزنامه‌نگار صادقی نمی‌تواند احتمال دخالت امریکا را نادیده بگیرد.

با تمام این احوال اولین گزارشاتی که از سوی ان‌پی‌آر (شبکه خبری به اصطلاح دولتی در امریکا) در این رابطه منتشر شد به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که گویی تظاهراتی خودجوش و بدون سازماندهی بوده است. ادعائی خنده‌دار از طرف این بنگاه خبری که همیشه اصرار دارد کوبا را یک حکومت پولیسی بنامد. گزارشگران به هیجان‌آمده تعداد تظاهرکنندگان را از صدها نفر به هزاران نفر افزایش دادند. رسانه‌های جریان غالب، مانند آسوشیتدپرس، رویترز، فایننشال تایمز، گاردین و غیره، همگی عکس‌های دست‌کاری شده و یا برگرفته از رخدادهای کاملاً غیرمرتبط و حتی تصاویری از تظاهرات حامیان دولت را به‌عنوان شواهدی برای اعتراضات خیابانی به مخاطبان خود قالب کردند.

پس از حوادث ۱۱ جولای، ادعاهای عجیب و غریب علیه کوبا بشدت افزایش یافت. ناظران شبکه‌های اجتماعی این ادعاها را کار همیشگی ایالات متحده امریکا به‌منظور بی‌ثبات کردن کوبا ارزیابی می‌کنند. ان‌پی‌آر و وال استریت ژورنال رخدادهای ۱۱ جولای را به ویدیوئی نسبت می‌دهند که یک خواننده رپ ناراضی با همدستی یک «سوپر

استار» پول‌دار پناهنده در امریکا ساخته و منتشر کرده است. انتشار این ویدئوی بسیار جذاب و ابتکاری، فقط ظاهر امر بود. رسانه‌های جریان غالب از کارزار تونیتی هدایت شده از خارج علیه کوبا با کمک دالره‌های امریکا هیچ سخنی به‌میان نمی‌آورند؛ یا به کارزار گسترده‌ای که امریکا برای تحریک و برانگیختن برخی از گرایش‌های فرهنگی جوانان کوبائی به مخالفت با حکومت هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند.

این رسانه‌ها با جعل «دخالت کوبا در امور داخلی امریکا»، شصت سال دخالت امریکا در کوبا به‌منظور تغییر رژیم آن کشور را نادیده می‌گیرند. شورای جهانی صلح لیستی از رسانه‌های مورد حمایت امریکا تهیه کرده است که براحتی قادر نخواهند بود تا دخالت آشکار خود در امور داخلی کوبا را پنهان نمایند.

شرم‌آور است که مدعیان دلسوزی برای کوبا، مشکلات کوبا را به گردن رهبری انقلابی کوبا می‌اندازند و به تأثیر شصت سال محاصره و تحریم این کشور از سوی امریکا کاملاً بی‌اعتناء می‌مانند. آنها از فرصت‌های تجاری از دست رفته؛ از ممنوعیت حواله پول به کوبا؛ و از ممانعت از سفر گردشگران امریکائی به کوبا که می‌توانند در بهبود زندگی کوبائی‌ها مؤثر واقع شوند کلمه‌ای به زبان نمی‌آورند.

رسانه‌های غربی که به افزایش واقعی موارد ابتلا به کووید در کوبا استناد می‌کنند، از ذکر این حقیقت به کلی طفره می‌روند که کمبود سرنگ برای تزریق واکسن‌های تولیدی خود کوبا، نتیجه مستقیم تحریم‌های امریکا است. رسانه‌های سرمایه‌داری عمداً کارزار جهانی ماه‌های اخیر برای رفع تحریم‌ها و تأمین سرنگ برای نجات جان کوبائی‌ها را به کلی نادیده گرفته‌اند. با اکثریت قریب به اتفاق کوبائی‌ها، علی‌رغم تمام مشکلاتی که کوبا با آنها روبه‌روست، از دولت انقلابی خود حمایت می‌کنند، دولتی که کوبا را از فقر و فساد نجات داده و شرایط زندگی شایسته‌ای برای مردمش فراهم کرده است. حتی نسل‌های جدید که دوران خفت‌باراستعمار و یا دوران وحشتناک دیکتاتوری را تجربه نکرده‌اند، به استقلال کشور خود و رهبرانی چون خوزه مارتی و فیدل کاسترو افتخار می‌کنند. آنها حق تعیین سرنوشت کشورشان را به مزدوران آزادی‌گش و به حافظان منافع خارجی نخواهند سپرد.

متحدان سرمایه‌داری امریکا با ایستادن در کنار این قلدر جهان و همگامی با تحریم مردم سربلند کوبا، تنها عزت و استقلال خود را قربانی می‌کنند. ناتو با مشارکت در محاصره این جزیره کوچک در بحیره کارائیب، عملاً معیارهای ادعائی خود را زیر پا می‌گذارد.



بایدن خلاف قول‌هائی که به رأی‌دهندگان و به‌خصوص به طرفداران حزب دموکرات داده بود، همان سیاست‌های سخت‌گیرانه ترمپ در رابطه با کوبا را ادامه می‌دهد و حتی پا از آن فراتر گذاشته است. سخنگوی مطبوعاتی او نیز از پاسخ به روزنامه‌نگارانی که خواهان توضیح درباره سیاست‌های مربوط به کوبا بودند، طفره رفت. اکنون دیگر این

سیاست‌ها آشکار شده‌اند. مافیای میامی و هاوانای نیوجرسی دولت بایدن را مجبور کردند از سیاست‌های اوباما در رابطه با کوبا پیروی نکند. سناتور منندز کوبائی‌تبار از نیوجرسی در اتخاذ سیاست‌های ضد کوبائی بایدن نقش مهمی داشته است.

در میانه هیاهوی برپا شده به بهانه «تظاهرات» ۱۱ جولای علیه حاکمیت ملی کوبا و سوسیالیسم آن، گروهی از روشنفکران امریکائی شامل «چپ» هائی مثل اتین بالیبار، نوآم چامسکی، رابرت برنر و مایک دیویس نامه درخواست آزادی «روشنفکران» کوبائی، که گویا توسط مقامات کوبا در ۱۱ جولای دستگیر شدند را امضا و منتشر کردند. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که حکایت از مذاکره علنی یا خصوصی این روشنفکران با مقامات کوبائی در این زمینه داشته باشد. آنها اصولاً برای نظام عدالت کیفری کوبا اعتباری قائل نیستند. آنها دورادور، و بدون اطلاع کافی از واقعیات، دم از اصل برائت می‌زنند. خلاصه این که گویا مقامات کوبا همچون حکومت‌های پولیسی بدون دلیل و خودسرانه افراد را دستگیر می‌کنند. این است موضع عجیب و غریب کسانی که خود را «دوستان» انقلاب کوبا می‌نامند و در شرایطی دست به این اقدام غیرمسئولانه و نامعقول می‌زنند که کوبا تحت شدیدترین فشارهای امپریالیسم امریکا قرار دارد. اکنون زمان مناقشه بر سر حقوق فردی نیست، که فقط دغدغه بی‌دردان و راحت‌طلبان است، الان حق جمعی ۱۱ میلیون کوبائی برای تعیین سرنوشت کشورشان مطرح است. کوبا برای این که به سرنوشت هائیتی دچار نشود و زیر سلطه دیو امپریالیسم امریکا قرار نگیرد، بهای سنگینی پرداخته است. در صورت پیروزی امپریالیسم امریکا در این کارزار، کوبا همچون هائیتی، گرفتار انواع کمک‌های فسادآفرین و ویرانگری می‌بود که توسط سازمان‌های گوناگون امپریالیستی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، و مبلغان مذهبی دوران استعمار به این کشور سرازیر می‌شدند.

هائیتی و کوبا دشمنان مشترکی دارند. سیاستمداران فرصت‌طلب، روزنامه‌نگاران قلم به مزد و جاسوسانی که می‌خواهند هر دو کشور هائیتی و کوبا را در دایره سیاست‌های نوآستعماری نگهدارند، دشمن هر دو ملت هستند. در پشت ترور رئیس‌جمهور هائیتی در هفتم جولای همان ضدانقلابیون و جنایتکاران و لاشخورهایی قرار دارند که در میامی پناه گرفته و خواستار بمباران کوبا و دخالت در امور این کشور هستند و از اعزام نیروی نظامی به هائیتی طرفداری می‌کنند.

کوبا و هائیتی پیروز خواهند شد !

منبع :

<http://zzs-blg.blogspot.com/>

*توسن لو ورتور معروف به پدر استقلال هائیتی از سال ۱۸۰۲-۱۸۰۱ رئیس‌جمهور سیاه‌پوست هائیتی بود. او در مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی و امپراتور وقت آن ناپلئون بناپارت توانست شورش بردگان را به جنبشی انقلابی برای استقلال هائیتی بدل کند و این سرزمین در نهایت در سال ۱۸۰۴ استقلال خود را به‌دست آورد. لو ورتور اگر چه در زمان استقلال هائیتی زنده نبود، اما مبارزات او زمینه را برای این پیروزی فراهم کرد. او که در سال ۱۸۰۲ به دعوت فرمانده ارتش فرانسه به این کشور رفته بود، به محض ورود دستگیر و زندانی شد و در سال ۱۸۰۳ در زندان درگذشت.

دانش و امید، شماره ۷، شهریور ۱۴۰۰